روزنامه صبح ایران
آرمان ملی
شماره ۲۳۳۷
سال هشتم
چهارشنبه
۱۴۰۴ • ۱۲ • ۱۳
۱۴ رمضان ۱۴۴۷ / ۰۴ مارس ۲۰۲۶
اذان ظهر ۱۶: ۱۲ اذان مغرب ۲۰: ۱۸
اذان صبح (فردا) ۰۵:۰۷ طلوع آفتاب (فردا) ۰۶:۳۱

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: نیره طاهری نیک
زیر نظر شورای سردبیری
نشانی: تهران، چهاره راه یوسف‌آباد، خیابان فتحی شقاقی به سمت ولیعصر پلاک ۱۸، ساختمان آفتاب، واحد ۱
تلفن: ۰۲۱۸۸۱۰۵۰۰۷ دورنگار: ۰۲۱۸۸۱۰۵۳۴۱ آگهی های شهرستان: ۷-۰۲۱۴۴۰۱۴۸۰۵ - ۰۹۱۲۲۷۱۷۵۰۳
چاپ: همشهری «۲» تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲
توزیع تهران و شهرستان: نشر گستر امروز ۶۱۹۳۳۳۳۳

نشانی اینترنتی: www.armanmeli.ir
آیین نامه اخلاق حرفه ای
روزنامه آرمان ملی را
در سایت بخوانید

ادعیه رمضان

دعای روز چهاردهم

«اللّٰهُمَّ لاتُؤَاخِذْنی فِیهِ بِالْعَثَرَاتِ وَاَقِلْنِی فِیهِ مِنَ الْخَطَایَا وَالْهَفَوَاتِ وَلاتَجْعَلْنِی فِیهِ غَرَضاً لِلْبَلایَا وَالْآفَاتِ بِعِزَّتِکَ یَاعِزَّ الْمُسْلِمِینَ».

خدایا مرا در این ماه بر لغزش ها سرزنش مکن، و از خطاها و افتادن در گناهان دور بدار، و هدف بلاها و آفات قرار مده به عزتت ای عزت مسلمانان.

غیر محرمانه

فرزند رهبر انقلاب در سلامت کامل

خبرگزاری سازمان تبلیغات اسلامی نوشت: «حجت الاسلام والمسلمین مجتبی خامنه ای فرزند امام شهید انقلاب اسلامی در سلامت کامل است». مهر اعلام کرد: «طبق اخبار موثق دریافتی خبرگزاری مهر و بر خلاف شایعات رسانه های صهیونیستی حجت الاسلام والمسلمین سید مجتبی خامنه ای فرزند امام شهید انقلاب اسلامی در سلامت کامل به سر می برد و هم اکنون رسیدگی به مسائل شهدای خانواده، تمشیت امور، مشاوره و بررسی امور مهم کشور را دنبال می کند».

جزئیات حمله موشکی به ساختمان مجلس خبرگان در قم

در پی حمله دشمن به ساختمان دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری در قم، این مجموعه دچار خسارت شد، اما ساختمان در زمان وقوع حادثه خالی بوده و تلفات جانی در پی نداشته است. بعد از ظهر سه شنبه ساختمان دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری در شهر قم هدف حمله موشکی قرار گرفت. بر اساس گزارش های اولیه، این حمله خساراتی به ساختمان وارد کرده است، اما به دلیل خالی بودن مجموعه در زمان وقوع حادثه، هیچ‌گونه آسیب جانی گزارش نشده است. همچنین برخی واحدهای مسکونی اطراف در محدوده میدان رسالت دچار خسارت شده‌اند و تیم های امدادی و خدمات‌رسان بلافاصله در محل حاضر شده و در حال ارزیابی و رسیدگی به وضعیت هستند.

برای رهبر یک قطره هم گریه نمی‌کنم

ژیلا صادقی مجری سرشناس تلویزیون در ویدئویی گفت: «قلبم مچاله است که رهبر انقلاب امروز نیستند اما یک قطره هم گریه نمی‌کنم. هر چقدر دوست دارید در دایرکت و کامنت پیام های پوچ بفرستید، برایم اهمیتی ندارد و به مسیر خودم ادامه می‌دهم.» اظهارات این مجری ایرانی آمریکایی صداوسیما در واکنش به حملات به او در فضای مجازی را می بینید و می شنوید.

درخواست عباس آخوندی از چین

عباس آخوندی فعال سیاسی اصلاح طلب در کانال تلگرامی خود نوشت: هم چنان‌که سخنگوی وزارت خارجه چین اعلام کرده‌است، اعلام جنگ و تجاوز نظامی اسرائیل-امریکا به سرزمین ایران تجاوز به تمام حقوق بین‌الملل شناخته شده و تمامیت ارضی ایران است. ایران در وضعیت تهدید وجودی توسط دو کشور شرور قرار گرفته است و با تمام قوا از موجودیت خود دفاع می‌کند. موقعیت ژئواستراتژیک ایران به گونه‌ای است که ناامنی آن بلافاصله زنجیره تامین جهانی انرژی و زنجیره ارزش جهانی (GVCs) را تهدید می‌کند و اقتصاد و منافع بسیاری از ملت‌های جهان از جمله چین را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این شرایط چین در راستای ابتکار امنیت جهانی (GSI) خود باید ورود کند و بنیان یک ترتیب امنیتی پایدار در منطقه را با مشارکت ایران، کشورهای جنوب خلیج فارس و پاکستان آغاز کند.

بازار سیاه فیلترشکن در روزهای بحرانی

دسترسی به اینترنت یک نیاز حیاتی است و هزینه‌های کمرشکن ارتباطات به سبد هزینه‌های ضروری خانواده‌ها اضافه شده است. براساس گزارش دیجیاتو، همزمان با جنگ و قطعی اینترنت در ایران، شاهد شکل‌گیری یک بازار سیاه بی‌سابقه در زمینه فروش فیلترشکن‌ها هستیم. برخی از فروشندگان VPN، هر گیگابایت ترافیک را تا ۵۰۰ هزار تومان می‌فروشند و مردم نیز راهی جز پرداخت این مبلغ را ندارند؛ چراکه به دنبال دسترسی به اطلاعات در این شرایط بحرانی هستند.

حمله هوایی به خیابان سپهبد قرنی

عکس: محمد مهدی پورعرب ◆ عکسنامه

دریچه

۸۰ تا ۹۰ کودک با سوختگی شدید و قطع عضو همچنان در بیمارستان هستند

روایت تکان دهنده از بدن های تکه تکه شده دانش آموزان مینابی

جنگ سراسر غم و اندوه است؛ آوارگی و ویرانی است؛ گاهی خاک سیاه یتیمی است که بر سر کودکان طفل معصوم می‌نشیند و گاهی هم داغ سنگین پرپر شدن فرزندی است که پس از سال ها نذر و نیاز به آغوش پدر و مادر رسیده بوده است. کودکان از همه جا بی خبری که چیزی از سیاست و جنگ لعنتی نمی‌دانند و معصومیت کلام و نگاهشان دل آدمی را به زندگی گرم می‌کند و فقدان و نبودنشان ذره ذره وجود مادر و پدر را ذوب کرده و ریشه امیدشان را می‌خشکاند.

با انتشار خبر وقوع انفجارهای مهیب در مدرسه ابتدایی میناب که به دلیل حمله متجاوزانه آمریکا و اسراییل در نخستین دقایق جنگ رخ داد، نه تنها والدین آن بچه‌های معصوم خود را هراسان و نگران به مدرسه رساندند بلکه تمام پدر و مادرهای ایرانی، ترسیده و وحشت‌زده به دنبال فرزندشان رفتند تا او را به خانه برگردانند؛ آن روز اما پای بیش از ۱۰۰ کودک مینابی هرگز به خانه نرسید و داغی ابدی بر قلب هزار پاره پدران و مادرانشان بیچاره‌شان نشست. دفتر و کتاب، کیف و کفش‌های کوچکشان در گوشه حیاط مدرسه جامانده است؛ درست مثل داغ سنگین و بزرگی که از نبودنشان بر دلها نشسته است؛ چند جفت دمپایی لابلای کفش‌ها دیده می‌شود که البته تعدادشان کم نیست و این دمپایی‌ها حتما از زندگی فقیرانه‌شان حکایت دارد که البته شاید با همان دمپایی‌های ساده و رنگاورنگ پلاستیکی احساس خوشبختی می‌کردند اما آدم بزرگ‌های بی‌رحم و بی‌وجدان حتی به دلخوشی ساده و خوشبختی کوچک این زبان‌بسته‌ها هم رحم نکردند.

کبری آجی حیدری نیا نجاتگر یک هلال احمر شهرستان میناب، امدادگر جوان و از کسانی است که در جریان امدادرسانی به دانش‌آموزان مدرسه میناب حاضر بوده است.

حیدری نیا می‌گوید: ساختمان محل کار ما با مدرسه شجره طیبه میناب فاصله زیادی ندارد و روز حادثه، روز شیفت من بود و اداره بودم. مشغول کار بودیم که یک آن دیدیم شیشه‌های ساختمان ما به لرزه درآمد؛ اول فکر کردیم زلزله آمده است که صدای مهیبی مثل صدای انفجار بمب به گوشمان رسید و به سرعت از ساختمان خارج شدیم و با دستور رئیس مجموعه همه به حیاط رفتیم و همکاران امدادگر آقا سریع خود را به سر صحنه رساندند.

او بیان می‌کند: بعد از دقایقی کوتاه رئیسم با من تماس گرفت و گفت به سرعت دو تا تیم خودت را آماده کن و به مدرسه بیایید. آماده شدیم و ۲ تیم ۴ نفره از بانوان امدادگر به مدرسه رفتیم. به سرعت با دیگر امدادگران خانم دست و پاهای قطع شده دانش‌آموزان و تکه‌های کنده شده از موی سرشان و تکه‌های بدنشان را جمع کردیم و در کیسه پلاستیکی گذاشتیم؛ گفتم زود اینکار را انجام بدهیم تا مادر و پدر بچه‌ها آن صحنه‌های زجرآور و وحشتناک را نبینند و پیش از آمدنشان از محوطه خارج کردیم. خیلی دردناک بود؛ خیلی.

روایت تکان دهنده امدادگری که در مدرسه حضور داشت

خبرآنلاین نوشت؛ حیدری نیا درباره لحظات اولیه حادثه گفت: نمی‌دانم چطور آن صحنه‌های وحشتناک اولیه که در مدرسه دیدم را توصیف کنم؛ زبانم بند آمده بود؛ دود زیادی در فضا بود. سریع به داخل ساختمان مدرسه رفتیم و به ما گفتند از ساختمان فاصله بگیرید ساختمان در حال ریزش است؛ طبقه اول مدرسه دانش‌آموزان پسر بودند و طبقه دوم دانش‌آموزان دختر بودند. روز حادثه که به مدرسه رفتم به من گفتند بیا و پیکرها را شناسایی کن؛ متاسفانه سری روی پیکر معلم‌ها نبود و هیچ لباسی روی بدنشان نبود که من شناسایی کنم؛ معلم‌های مدرسه همه از دوستانم بودند و شب قبلش همدیگر را دیده بودیم و همه معلم‌ها که حدود ۱۰ نفری می‌شدند در انفجار مدرسه شهید شدند. فقط یکی از معلم‌های کلاس ششم مدرسه زنده مانده است. متاسفانه هنوز پیکر یکی از معلم‌ها پیدا نشده است؛ زیر آوار هم که نبود؛ ۳ تا از معلم‌ها سرشان قطع شده بود و سرها یک جا و جسدها جای دیگر است و هنوز مشخص نیست که پیکر این معلم مفقودی که اصالتا لر است، چه شده است. دوباره دیروز هم گفتند که بیا و دوباره پیکرها را ببین و شناسایی کن؛ امروز هم همان وضعیت بود؛ همان پیکرهای بی سر، سر قطع شده بود، حتی نمی‌شد با انگشتری که داشتند آن‌ها را شناسایی کنم؛ قلب یکی از معلم‌هایی که سرش قطع شده بود می‌زد؛ معلم جوانی بود که معلوم نبود کیست اما با چشمم دیدم که قلبش می‌زد. مدیر مدرسه هم از دوستانم بود و او هم روز وقوع حادثه شهید شد.

دردناک ترین صحنه

وی در خصوص دردناک ترین صحه مدرسه گفت: وضعیت دانش‌آموزان هم دردناک‌تر از وضعیت معلم‌ها بود؛ نه سر داشتند، نه پا داشتند، تمام بدنشان سوخته بود، هیچ لباسی به تنشان باقی نمانده بود. یک چیزی می‌گویم و یک چیزی می‌شنوید؛ صحنه‌هایی که در مدرسه میناب دیدم نفس‌هایم را بند آورده بود؛ توان حرکت نداشتم. در طول این ۱۷ سالی که امدادگر بودم در حوادث مختلفی مثل زلزله و سیل و ... حضور داشتم اما هیچ کدام تا این حد وحشتناک نبود. یکی از ناراحت‌کننده‌ترین چیزهایی که دیدم مادری بود که بین جمعیتی که دنبال بچه‌هایشان آمده بود حضور داشت که هر ۳ فرزندش در آن مدرسه درس می‌خواندند و هر ۳ نفر در این حمله شهید شده بودند؛ نمی‌دانستیم چطور به او بگوییم که چه اتفاقی افتاده برای بچه‌های او افتاده است. کاش لااقل یک فرزندش زنده بود. برخی مادران دو فرزند دانش‌آموز خود را در این حادثه از دست دادند؛ برخی ۱ فرزندشان شهید شده بود و می‌گفتند همین ۱ بچه را خدا بعد از سالها به ما داده بود.

یکی از اقوام خودم به مدرسه رفته بود تا فرزندش را ببرد، اما با وقوع حمله و انفجار مدرسه به همراه فرزندش زیر آوار گرفتار شده و شهید شد و پیکرش هنوز پیدا نشده است. تا چشم کار می‌کرد بچه‌هایی بودند که دست نداشتند؛ پا نداشتند؛ مو نداشتند؛ صورت نداشتند؛ یا سوخته بودند و یا دست و پا و سرشان از پیکر کوچکشان جدا شده بود و این صحنه‌ها هم خیلی برایم خیلی وحشتناک و دردناک بود. به سرعت با دیگر امدادگران خانم دست و پاهای قطع شده دانش‌آموزان و تکه‌های کنده شده از موی سرشان و تکه‌های بدنشان را جمع کردیم و در کیسه پلاستیکی گذاشتیم؛ گفتم زود اینکار را انجام بدهیم تا مادر و پدر بچه‌ها آن صحنه‌های زجرآور و وحشتناک را نبینند و پیش از آمدنشان از محوطه خارج کردیم. خیلی دردناک بود؛ خیلی؛ پیکر برخی بچه‌ها از کمر قطع شده بود و مابقی آن نبود؛ بچه‌هایی را دیدم که دست و پا می‌زدند؛ بچه‌های را دیدم که زنده بود اما دست و پایش قطع شده بود و نمی‌توانست حرکت کند و تمام این صحنه‌ها برایم وحشتناک بود.

این امدادگر در خصوص چگونگی نجات یافتن دانش آموزان زنده مانده بیان کرد: با یکی از معلم‌های کلاس ششمی که هم خودش و هم شاگردانش زنده ماندند صحبت کردم گفت من تمام بچه‌ها را خارج کردم فقط یک نفر از بچه‌ها نیست؛ آنطور که به من گفتند بمب، اول به طبقه پایین مدرسه اصابت کرده است و مدیر به سرعت بچه‌ها را از کلاس درس خارج کرده و به نمازخانه می‌برد. همزمان با جابجایی بچه‌ها از کلاس‌ها به نمازخانه با خانواده‌ها هم تماس می‌گیرند که بیایید و بچه‌هایتان را ببرید اما در اثر انفجار دوم به نمازخانه تمام بچه‌ها، خود مدیر و معلم‌هایشان به شهادت رسیدند.

مدیر مدرسه برای آموزش نکات امدادی به بچه‌ها خیلی پیگیر بود و من هفته گذشته، یعنی چند روز قبل از این حادثه به مدرسه رفته بودم و تمام موارد را یادشان داده بودم؛ عکسهای آن آموزش‌ها را هنوز دارم؛ به آن‌ها (مدیر و معلم و بچه‌ها) گفته بودم که اگر خدایی نکرده زلزله یا سیلی آمد یا جنگ شد، بچه‌ها را سریع به حیاط ببرید؛ اگر مدیر و معلم‌ها مثل آن معلم کلاس ششمی بچه‌ها را به داخل محوطه باز و حیاط آورده بودند، شاید کلا ۱۰ نفر زخمی شده بودند. برخی معلم‌ها دانش‌آموزان پسر را به حیاط و دختران را به نمازخانه فرستاده بودند. معلم کلاس ششم سریع بچه‌هایش را که دانش‌آموزان پسر بودند به حیاط برده بود و همه آن‌ها الان سالم هستند؛ به جز یک دانش‌آموز که تا الان نه جسدش پیدا شده و نه خودش و مادرش هم نمی‌پذیرد که فرزندش شهید شده است و می‌گوید بچه من زنده است؛ من می‌گویم شاید بچه این مادر بین بقایای اجسادی بوده که صورتشان له شده بود و قابل شناسایی نبود، یا بین آن‌ها که سر و دست و پایشان قطع شده بود که فقط از طریق آزمایش دی‌ان‌ای قابل شناسایی است. فکر کنم فقط آمار دانش‌آموزان دختر مدرسه میناب حدود ۳۵۰_۴۰۰ نفر بوده است خیلی از بچه‌ها که تعدادشان به حدود ۸۰_۹۰ نفر می‌رسد با سوختگی شدید و قطع عضو همچنان در بیمارستان بستری هستند.

نکته

در حملات کنار پنجره نایستید

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران بر لزوم آمادگی پیشینی خانواده‌ها در برابر حملات و سوانح احتمالی تأکید کرد و گفت: شناسایی نقاط امن ساختمان، تعیین محل تجمع اضطراری و آماده‌سازی کیف اضطراری می‌تواند در لحظات بحرانی از بروز خسارات جانی جلوگیری کند.

جلال ملکی در توضیح بیشتر اظهار کرد: بخش مهمی از ایمنی به اقداماتی بازمی‌گردد که باید پیش از وقوع حادثه انجام شود.

وی با تأکید بر اهمیت آموزش افزود: گذراندن دوره‌های آموزشی و آشنایی با نکات ایمنی ضروری است. هر خانواده باید نقاط امن خانه خود را شناسایی کند؛ محل‌هایی مانند کنج دیوارها، محل تلاقی دیوارها، کنار ستون‌ها یا فضاهای باریک‌تر نظیر راهروها که معمولاً استحکام بیشتری دارند.

سخنگوی آتش‌نشانی تهران ادامه داد: نصب پرده‌های ضخیم یا استفاده از پوشش‌های محافظ مانند برچسب‌های مات‌کننده روی شیشه‌ها می‌تواند خطرات ناشی از شکستن شیشه را کاهش دهد. همچنین همه افراد باید محل انشعابات برق، آب و گاز را بدانند تا در صورت لزوم بتوانند سریعاً آن‌ها را قطع کنند.

ملکی با اشاره به ضرورت برنامه‌ریزی خانوادگی در شرایط بحران، گفت: بهتر است خانواده‌ها محل مشخصی را به عنوان قرار اضطراری تعیین کنند؛ برای مثال پارک محله، مسجد یا ستاد بحران. حتی می‌توان این آمادگی را در قالب تمرین‌های کوتاه با اعضای خانواده اجرا کرد؛ به ویژه برای کودکان که بدانند در چند ثانیه باید به کدام نقطه امن پناه ببرند.

وی درباره حضور در فضای باز هنگام وقوع انفجار توضیح داد: اگر در لحظه انفجار در فضای باز هستید، فوراً به نزدیک‌ترین ساختمان بروید و در صورت نبود پناهگاه زیرزمینی، پایین‌ترین طبقه را انتخاب کنید. از پنجره‌ها فاصله بگیرید و در صورت امکان آن‌ها را با پلاستیک و نوار چسب بپوشانید. اگر ساختمانی در اطراف نبود، پایین‌ترین نقطه زمین مانند شیار یا گودال را پیدا کرده و روی زمین دراز بکشید، صورت را به سمت زمین قرار دهید و با بازوها از سر محافظت کنید، زیرا ترکش‌ها معمولاً به سمت بالا پرتاب می‌شوند.

سخنگوی آتش‌نشانی تهران با اشاره به اقدامات ضروری در منزل گفت: امن‌ترین اتاق خانه را شناسایی کنید؛ معمولاً حمام‌ها به دلیل ساختارشان مقاوم‌ترند. امکان ایجاد پناهگاه موقت با استفاده از میز، کتاب و تشک وجود دارد. ذخیره آب و مواد غذایی ضروری، آماده داشتن پوشش محافظ برای پنجره‌ها و قطع برق و گاز در شرایط اضطراری از دیگر اقدامات مهم است.

ملکی تأکید کرد: هنگام وقوع حمله یا انفجار از ایستادن کنار پنجره‌ها و دیوارهای بیرونی خودداری کنید و هرگز برای تماشا یا عکاسی از محل حادثه خارج نشوید. همچنین از تجمع در فضای باز یا حضور گروهی در محل انفجار پرهیز کنید.

وی با اشاره به تجربه حوادث گذشته افزود: در زمان بحران فرصت جمع‌آوری مدارک یا وسایل شخصی وجود ندارد، بنابراین داشتن یک کیف اضطراری شامل مدارک شناسایی، کلید خودرو و اقلام ضروری توصیه می‌شود.

ملکی در پایان خاطرنشان کرد: هدف از این توصیه‌ها کاهش خطرات و افزایش ایمنی خانواده‌هاست. آمادگی قبلی، تمرین و پرهیز از رفتارهای پرخطر می‌تواند خسارات جانی و مالی در حوادث غیرمترقبه را به شکل قابل توجهی کاهش دهد.

ویژه

صدای انفجار؛ حفظ خونسردی

جمعیت هلال احمر با صدور اطلاعیه‌ای بر خودداری از انتشار تصاویر محل اصابت، فعالیت پدافند یا تحرکات نظامی در فضای مجازی از سوی هموطنان تأکید کرد و گفت: در زمان وقوع انفجار، حفظ خونسردی و آرامش از اصول اولیه خودامدادی است.

، جمعیت هلال احمر در اطلاعیه‌ای بر لزوم رعایت نکات ایمنی در مواقع بحرانی جنگ از سوی شهروندان تأکید و توصیه کرد: به محض شنیدن صدای انفجار، وحشت نکنید. ترس آنی باعث تصمیمات غلط و دویدنِ بی‌هدف می‌شود که خطرناک‌ترین واکنش است.

همچنین در این شرایط نفس عمیق بکشید، به جای پنجره‌ها به سمت دیوارهای داخلی پناه ببرید و با حفظ آرامش، دیگر اعضای خانواده را به نقطه امن هدایت کنید. خونسردی شما، اولین قدم برای نجات است.

هلال احمر خطاب به هموطنان یادآور شده است که در لحظات اضطراب، کودکان و سالمندان بیش از هر چیز به آرامش کلامی و حضور شما نیاز دارند. آن‌ها را با صدای بلند صدا نزنید و هراسان نکنید.

در این شرایط توصیه می‌شود که با لحنی قاطع اما آرام، آن‌ها را به پناهگاه یا نقاط امن خانه ببرید. وسایل ضروری سالمندان (عینک، دارو، سمعک) را همیشه در کنارشان قرار دهید تا در زمان جابجایی معطل نشوید. امنیتِ ضعیف‌ترها، اولویتِ ماست.

هنگام شنیدن صدای انفجار یا رؤیت اشیاء پرنده، هرگز برای فیلم‌برداری به پشت‌بام یا کنار پنجره نروید؛ این کار جان شما را به شدت به خطر می‌اندازد. همچنین از انتشار تصاویر محل اصابت، فعالیت پدافند یا تحرکات نظامی در فضای مجازی خودداری کنید. چراکه تصاویر شما، بهترین جاسوس برای اصلاح دقیق‌تر حملات بعدی دشمن است؛ هوشیار باشیم.

آگهی مناقصات

سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای
اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان آذربایجان غربی

کارفرما : اداره کل راهداری و حمل ونقل جاده ای استان آذربایجان غربی
آدرس : ارومیه – خیابان والفجر ۲ – نرسیده به پل میثم – اداره کل راهداری و حمل ونقل جاده ای استان آذربایجان غربی

ردیف	نام پروژه	شماره مناقصه	برآورد اولیه	تضمین
۱	بهسازی و آسفالت راههای روستایی جنگسر،قزل آغل،یارپاقلو،الند، چکمه زر،برده رش سفلی و برده رش علیا شهرستان خوی	۴۶-م-۰۴	۱,۰۴۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۵۲,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰

مناقصه گر دارای یکی از صلاحیت های ذیل باشد
سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور صلاحیت پیمانکاری راه و ترابری ۵ تصویر گواهی معتبر بهمراه ظرفیت کاری از سامانه ساجار ضمیمه گردد.
۱) تحویل (فروش) اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۷ تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۰ می باشد .
(فقط از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir)
۲) مهلت ارسال پاسخ فراخوان تا ساعت ۱۹:۰۰ یکشنبه ۱۴۰۴/۱۲/۲۴
۳) تاریخ بازگشایی پیشنهادها از طریق سامانه ستاد رو دوشنبه ساعت ۰۰: ۰۸ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۲۵
شناسه ۲۱۴۳۴۳۰